

ریچارد هوانسیان

تاریخ جمهوری ارمنستان

(جلد یکم)

مترجم
آتوسا سمیعی



۱۳۹۷

هوانیسیان، ریچارد جی. Hovannisian, Richard G.
تاریخ جمهوری ارمنستان جلد یکم / ریچارد هوانیسیان، مترجم؛ آتوسا سمیعی.
تهران: نشانه ۱۳۹۶.
۶۱۴ ص: مصور، نقشه.
۹۷۸-۶۰۰-۷۶۹۳-۴۵-۲

فیبا
عنوان اصلی: The Republic of Armenia, 1971
کتابنامه.

ارمنستان - تاریخ - انقلاب، ۱۹۱۷ - ۱۹۲۰ م.
1920-1917, Armenia (Republic) History Revolution
سمیعی، آتوسا، ۱۳۴۷ - ، مترجم
DS ۱۷۵ / ۹ ت ۲ ۱۳۹۶
۹۵۶/۶۲
۵۰۲۰۴۸۶

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی کنگره
شماره کتابشناسی ملی



تاریخ جمهوری ارمنستان جلد یکم

ریچارد هوانیسیان

مترجم	آتوسا سمیعی
چاپ اول	۱۳۹۷
شمارگان	۵۰۰
طرح جلد	حسن گل
صفحه آرایبی	فاطمه بابایی
چاپ و صحافی	پردیس دانش
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۶۹۳-۴۵-۲
قیمت	۷۰۰۰۰ تومان

میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، کوچه رشتچی، پلاک ۱۴، واحد ۶، طبقه دوم
تلفکس: ۸۸۸۳۵۷۶۷ - همراه: ۰۹۱۲۵۰۳۰۸۶۰ - email: nashr.neshaneh@gmail.com

حق چاپ و انتشار مخصوص نشر نشانه است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۵	فصل اول: به سوی استقلال
۵۳	فصل دوم: نخستین گام‌ها
۸۵	فصل سوم: اساس درگیری
۱۱۷	فصل چهارم: درگیری ارمنی - گرجی
۱۵۵	فصل پنجم: نخستین زمستان
۱۹۱	فصل ششم: تلاش برای تصاحب قره‌باغ و زنگزور
۲۳۷	فصل هفتم: الحاق قارص
۲۷۳	فصل هشتم: پیشروی به نخجوان
۲۹۹	فصل نهم: ارمنستان در کنفرانس صلح
۳۴۵	فصل دهم: واکنش متفقین
۴۰۳	فصل یازدهم: دیپلماسی قفقاز و ارتش سفید
۴۵۳	فصل دوازدهم: به سوی افق‌های بلشویک
۴۸۹	فصل سیزدهم: در مناطق کوهستان آناتولی
۵۲۷	فصل چهاردهم: به سوی دومین سال



**Turkish Armenia and the Transcaucasus
1914**

- ✚✚✚ International Boundaries
- - - Provincial Boundaries
- Provincial Capitals

SCALE IN MILES





تاریخ آگاهی و آگاهی تاریخی است.
آتوسا سمیعی

پیشگفتار

از بهار سال ۱۹۱۸م، تا زمستان ۱۹۲۰م، مردم ارمنستان به مدت دو سال و نیم، تلاش مجددانه‌ای در جهت برپایی حکومتی مستقل مبذول داشتند. این حکومت نخستین موجودیت سیاسی آنان پس از گذشت پانصد سال به شمار می‌آمد و مشکلات بسیار و حل‌نشده‌ای بر سر راهش قرار داشت؛ اما این ملت که مشقات بی‌سابقه‌ی سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۵م را متحمل شده بود، سخت کوشید تا به موفقیتی همگانی دست یابد. اگر چه ارمنی‌ها کاملاً نامنتظر به استقلال رسیده بودند، اما دیری نپایید که دریافتند، عامل اساسی صیانت ذات و تجدید حیاتشان همین استقلال است.

اکنون با گذشت نیم قرن آشکار شده است که آن لحظه‌ی تاریخی، برای دستیابی ارمنی‌ها به استقلال پایدار، رویدادی بی‌موقع بوده است. چرا که آن فرصت در مقایسه با ملل آسیا و آفریقا بسیار زود، و در برابر تجربه‌ی مردم بالکان، بسیار دیر برای ارمنی‌ها پیش آمده بود. این واقعیت که نه ترکیه‌ی ناسیونالیست و نه اتحاد شوروی، ارمنستانی مستقل را در قلمرو رومانف و عثمانی سابق بر نمی‌تابیدند و قوای متفق و ایالات متحده نیز در به ثمر رساندن برنامه‌ها و تعهداتشان با شکست مواجه شده بودند و ارمنی‌ها خود به تنهایی برای دفاع از کشور قلیل و ضعیف بودند، عواملی بود که منجر به از هم پاشیدن جمهوری ارمنستان شد. ماجرای آن جمهوری، همچون تاریخ طولانی ملت

ارمنی با مبارزه‌ای نابرابر و تراژیک نمود می‌یابد. مقاومت متهورانه‌ی دولت جدید در برابر بی‌عدالتی‌های شدید، حس همدردی همگان را برمی‌انگیزد. اما تاریخ‌نویس باید احساسات را کنار بگذارد تا موقعیت پیچیده و اغلب متناقضی را که نمایانگر ناپایداری آن استقلال است، به چالش کشد و ارزیابی کند.

نخستین بررسی من، تحت عنوان "ارمنستان در راه استقلال، ۱۹۱۸م"، تلاشی بود در جهت تلفیق عوامل متعدد داخلی و خارجی، ملی و بین‌المللی که به پیدایش جمهوری ارمنستان انجامید. پژوهش بایسته در این زمینه و نگارش آن، مستلزم همتی بلند بود؛ زیرا این موضوع ماهیتاً بحث‌برانگیز است و حقایق آن اغلب تحریف و سوءتعبیر می‌شود و نامکشوف می‌ماند. بررسی تاریخ گذشته‌ای که غرق در افسانه و تحریف است، کاری بس دشوار و گاه بی‌اجر و مزد می‌نماید. اما استقبال فراوانی که از این کتاب به عمل آمد، بسیار رضایت‌بخش بوده است و نشان می‌دهد که من به هدف خود یعنی ارائه‌ی تاریخ جامع ارمنستان در راه استقلال دست یافته‌ام.

حتی وقتی مسئولیت این پژوهش را به عهده گرفتم، بدیهی می‌نمود که تاریخ جمهوری ارمنستان نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. ولی هنوز هیچ پژوهش موشکافانه‌ای از این موضوع به عمل نیامده است و حتی در میان اسناد دست اول، مکاتبات سیاسی، خاطرات و پژوهش‌های متداول نیز، که به عنوان منابع اولیه در دسترس اند، چیزی یافت نمی‌شود. ابتدا بر آن بودم که تاریخ جمهوری را در مجلدی جداگانه به رشته‌ی تحریر درآورم؛ اما با تکمیل پژوهش‌های نخستین و تنظیم رئوس مطالب، دریافتم که تنها در یک مجلد نمی‌توان، چنان که سزاوار است، حق مطلب را ادا کرد. از آن جا که این تاریخ برآمده از ابعاد گوناگون و جنبه‌های متعدد و پیچیده است، چنان مبهم بود که امکان به دست دادن خلاصه‌ای از آن وجود نداشت. پس بر آن شدم که از سودای تهیه‌ی شرحی ساده و موجز برای خوانندگان عادی در گذرم و تاریخی مفصل، اما پیچیده، از جمهوری ارمنستان به دست دهم.

این مجلد، که جلد نخست از مجموع سه کتاب است، ناظر به برپایی جمهوری و رویارویی آن با مشکلات پیاپی است؛ مشکلاتی از قبیل: نیاز به تحکیم حکومت، مقاومت

در برابر زمستان طاقت‌سوز، حل منازعات پیچیده و طاقت‌فرسای ارضی با گرجستان و آذربایجان و نیز جلب حمایت نیروهای متفقین و کنفرانس صلح پاریس. در نخستین سالگرد جمهوری، سرنوشت ارمنستان همچنان نابسامان و بی‌ثبات باقی ماند که این مسئله عمدتاً ناشی از عملکرد متضاد و سوءظن‌های متقابل بریتانیای کبیر، فرانسه، ایتالیا و ایالات متحده آمریکا بوده است. در این میان، جنبش مقاومت در ترکیه شکل گرفت و رژیم شوروی در روسیه تحکیم یافت. جلد دوم این کتاب شامل نیمه‌ی ۱۹۱۹م، تا میانه‌ی ۱۹۲۰م، است که بر گسترش فعالیت‌های داخلی و خارجی ارمنستان و نفوذ فزاینده‌ی ترکیه‌ی ناسیونالیست، روسیه‌ی شوروی و گروه‌های کمونیست محلی قفقاز نظر دارد. سرانجام در دومین سالگرد جمهوری، به نظر می‌رسید، کنفرانس صلح پاریس در قبال استقلال ارمنی‌ها موضعی قاطع اتخاذ نماید؛ اما از سوی دیگر، تهدیدات داخلی و خارجی، که حکومت ضعیف را آماج خود قرار داده بودند، بیش از هر چیز دیگر نگران‌کننده می‌نمود. جلد سوم که پیرامون نیمه‌ی دوم ۱۹۲۰م است، جنبه‌های گوناگون تلاش بی‌امان ارمنستان را به شکلی جامع دربرمی‌گیرد؛ این تلاش شامل دستیابی به مصالحه‌ی موقت با روسیه‌ی شوروی، متقاعد کردن نیروهای متفقین و متحد جهت به اجرا درآوردن پیمان سور (Sevre) فعال گرداندن اتحادیه‌ی ملل و مقاومت در برابر تهاجم حساب‌شده و سنجیده‌ی ارتش ناسیونالیست ترکیه است. اما شکست در تمام سطوح، منجر به واگذاری بسیاری از سرزمین‌های تاریخی ارمنستان به ترکیه‌ی تحت حکومت مصطفی کمال و پذیرش سلطه‌ی شوروی در منطقه‌ی کوچکی از خاک باقیمانده شد.

در میان منابع عمده‌ی این تاریخ، اسناد هیئت آمریکایی مأمور مذاکرات صلح در کنفرانس صلح پاریس و مکاتبات سیاسی آمریکا و مقامات رسمی متفقین در ترکیه، قفقاز و ارمنستان موجود است. این اسناد به همراه انبوهی از مدارک مربوط به آن، به مراکز اسناد و مدارک ملی ایالات متحده، به ویژه در بایگانی‌های شماره‌ی ۵۹، ۸۴، ۲۵۶ بخش اسناد قانونی، قضایی و سیاسی نگهداری می‌شود. آرشیو سلطنتی بریتانیا نیز حاوی اطلاعات فراوانی در زمینه‌ی رویدادهای پس از جنگ اول جهانی در خاورمیانه است که اسناد موجود در دفاتر هیئت دولت، وزارت جنگ و وزارت امور خارجه جزء مهم‌ترین

آن هاست. این مطلب که بریتانیای کبیر در دوران پس از جنگ از لحاظ سیاسی و نظامی بیش از سایر ملل متفق در امور ارمنستان و قفقاز دخالت داشته، نشانگر اهمیت اسناد و مدارک است. از سال ۱۹۵۲ م، به بعد، ستاد کل ترکیه مبادرت به انتشار پیاپی اسناد مربوط به جنبش ناسیونالیست و «جنگ استقلال» کرد. این مجموعه‌ی ارزنده، تحت عنوان (Harb Tarihi Vesikalavi Dergisi) به چاپ رسیده و چشم انداز گسترده‌تری در ارزیابی روابط ترک و ارمنی گسترده است.

اسناد و مدارک ارائه شده‌ی هیئت نمایندگی جمهوری ارمنستان به کنفرانس صلح پاریس از جامع‌ترین منابع این تاریخ به‌شمار می‌آید. این مدارک پر حجم، اکنون در بایگانی‌های فدراسیون انقلابی ارمنستان (Hay Heghapokhakan Dashnaksutiun) در بوستون و ماساچوست نگهداری می‌شود و نه تنها شامل کلیه‌ی مکاتبات هیئت نمایندگی است، بلکه پرونده‌های مأموریت‌های سیاسی در سراسر جهان، یادداشت‌های بسیاری از گروه‌های غیر ارمنی در پاریس، بریده‌ی جراید گردآوری شده‌ی روزنامه‌های معتبر در قفقاز و مهم‌تر از همه، اصل رونوشت هزاران سند را که وزارت امور خارجه‌ی ارمنستان در ایروان (Erevan) ردوبدل کرده، در بر می‌گیرد. برای تاریخ‌نویس مایه‌ی دلگرمی است که اسناد حیاتی اخیر توسط حکومت ارمنستان در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ م به پاریس ارسال شد و هیئت نمایندگی جمهوری نیز به همین دلیل توانست پا به پای وقایع ماوراء قفقاز حرکت کند. رونوشت یا اصل برخی اسناد نیز به همراه سایر اطلاعات مربوطه، در مرکز اسناد تاریخی حکومت مرکزی جمهوری سوسیالیست ارمنستان شوروی نگهداری می‌شود؛ اما بهره‌ای که پژوهندگان خارجی از آن می‌برند، هنوز بسیار محدود و تحت نظارت است.

در این میان حتی برخی از کتاب‌های خاطرات نیز در شکافتن جزئیاتی که تاکنون ناشناخته بوده‌اند، تأثیر بسزایی داشته است. به ویژه آثار منتشرشده‌ی اخیر مقامات وقت شوروی و ترکیه، برای نخستین بار چند و چون حقیقی همکاری بلشویک‌های شوروی و ناسیونالیست‌های ترک را در قبال جمهوری ارمنستان روشن می‌کند. مضمونی که به کرات در خاطرات نویسندگان ترک، به ویژه خاطرات رهبران نظامی، دیده می‌شود،

حاکمی از مخالفت شدید علیه بقایای دولت مستقل ارمنی در داخل یا آن سوی مرزهای امپراتوری عثمانی سابق است. این خاطرات به همراه اسناد و مکاتبات سیاسی منتشر شده توسط حکومت‌های ترکیه و شوروی، در جهت ارزیابی، تأیید یا اصلاح مدارکی است که نویسندگان ارمنی ارائه داده‌اند و مدعی‌اند که کشورشان قربانی تباری از پیش طراحی شده‌ی مسکو و آنکارا شده است.

بعد از خاتمه‌ی تحریر کتاب جمهوری ارمنستان، بی‌شک اطلاعات تازه‌ی دیگری به دست خواهد آمد که به مورخان آینده امکان می‌دهد این پژوهش را تکمیل کنند و شاید بتوانند برخی اطلاعات را که در طی زمان و دقت بسیار به آن‌ها دست یافته‌ام و در نظرم معتبر و قطعی جلوه می‌کنند، رد و اصلاح نمایند.

استفاده‌ی انبوه آثار دست‌نویس جدید سیریلیک، ارمنی و ترکی، مشکل حروف‌نگاری را پیش می‌کشد. القاب روسی مطابق کتابخانه‌ی کنگره، با حذف اعراب و بسیاری از اسامی خاص، حروف‌نگاری شده‌اند. اسامی خاص ترکی نه طبق الفبای تغییر یافته و متداول لاتین، بل آن‌گونه که در نخستین دهه‌ی این قرن به انگلیسی نوشته می‌شد، تلفظ می‌شوند؛ بنابراین در این کتاب جواد، نه سوات و کیاظم نه کاظم، حروف‌نگاری شده است. دشواری دیگر در حروف‌نگاری القاب ارمنی بود؛ زیرا نظام خط تغییر یافته در ارمنستان شوروی متمایز از نظام خط سنتی است که هنوز در آثار ارمنی منتشر شده در خارج متداول است. از این‌رو، اگر راهنمای حروف‌نگاری بسیاری از ارمنی‌شناسان اروپا تأیید شود، به جای کلمه‌ی استیلا (haranvanout'yun) (روسی) یا (yaranouanout'iwn) (غیر روسی) می‌گذاریم. به منظور حفظ یکدستی در ارائه‌ی القاب به لاتین، راهنمایی ابداع کرده‌ام که مطابق آن علائم بی‌اعراب‌اند و با آن که در برخی موارد، کلمه - نماد بی‌رابطه‌اند، تمام واژه‌ها را می‌توان با این روش حرف‌نگاری کرد؛ چه طبق نظام خط سنتی باشد یا نظام خط ارمنستان شوروی، بنابراین کلمه‌ی استیلا، همواره (haranvanutiun) نوشته می‌شود. اسامی اشخاصی که برای اولین بار نام آن‌ها در متن ذکر می‌گردد معمولاً به‌طور کامل نوشته شده‌اند. تهیه‌ی اسامی کوچک افراد کار دشواری بود؛ زیرا همچون بسیاری منابع، به ویژه آن‌هایی که به القاب نظامی یا سایر عناوین شخص اشاره می‌کنند، فاقد فهرست

اسامی کوچک افرادند اما پژوهش طولانی به من اجازه داد تا سیاستمدار فراموش شده‌ی قفقاز یا افسر بریتانیایی را که تا آن زمان تنها با نام خانوادگی متعارفی مانند استوارت (Stewart) یا داگلاس (Douglas) شناخته می‌شدند، زنده کنم و این امر در اکثر موارد به کشف مشخصات کامل و احساس رضایت از این که اینک بسیاری از آن‌ها چاپ می‌شوند، انجامیده است.

نام بسیاری از مشاهیر ارمنی، آن‌گونه که خود به زبان‌های غربی نوشته‌اند، تلفظ می‌شود؛ نظیر بوقوس نوبار (Boghos Nubar) نه بوقوس نوپار (Poghos Nupar) اسامی دوم ارمنی بسیار اندک‌شمارند؛ هر چند ارمنی‌های امپراتوری روسیه دریافته بودند که در امور حقوقی و قانونی استفاده از نام پدری ضروری است، اما جز در چند مورد، نام‌های پدری در این پژوهش نیامده است؛ زیرا فقط در متن روسی به کار می‌رفته است و اغلب نام اصلی پدر را تغییر می‌داده‌اند. نظیر گئورگ (Gevorg) پسر هوانس (Hovannes) که به گئورگ ایوانوویچ (Gevorg Ivanovich) یا حتی گئورگی ایوانوویچ (Georgii Ivanovich) که اکنون در ارمنستان شوروی متداول است، به کار می‌رفت. اسامی مناطق به صورتی که معمولاً در زمان خود متداول بود، حفظ شده است؛ نظیر آلکساندروپول (Alexandropol) نه لنیناکان (Leninakan) و قسطنطنیه، نه استانبول. نام مناطقی که در چند دهه‌ی اخیر تغییر کرده‌اند در واژه‌نامه آمده است؛ اما اسم‌هایی که بنابر سلیقه تغییر یافته‌اند، در واژه‌نامه نیستند. نظیر طربیزون (Terbizond) یا طرابوزان (Trabzon) یا اریوان (Erivan) - ایروان (Erevan) - یروان (Yerevan).

فهرست نشانه‌های اختصاری، که بعد از پیشگفتار آمده، در واقع جزء منابعی است که بارها نامشان ذکر شده است و تنظیمشان به سبک خاصی نیاز دارد تا از تکرار مکررات و سایر اشتباهات، که بر اثر استفاده‌ی بیش از دو کتاب یک نویسنده روی می‌دهد، اجتناب شود. در مجموعه‌ی کتاب‌های این فهرست، که شامل چند جلد است، تاریخ انتشار هر جلد و نخستین باری که نام آن جلد را در یادداشت‌ها آورده‌اند، نوشته شده است. اگر وجود نشانه‌ی اختصاری فقط در یک بخش ضروری می‌نمود، آن را تنها در همان بخش و نه در فهرست آورده‌ام. ترجمه‌ی القاب ارمنی، روسی و ترکی در کتاب شناسی

منظور شده است. تهیه‌ی کتاب‌شناسی جامعی، که مورد استفاده‌ی کلیه‌ی بخش‌های این پژوهش است، برای آخرین جلد در نظر گرفته شده است.

در سال‌هایی که سخت مشغول پژوهش و تحریر بودم، از جمیع جهات مساعدت‌های ارزشمندی به من ارزانی شد. جا دارد از کمک‌های بی‌دریغ کارکنان کتابخانه‌های دانشگاه کالیفرنیا، کتابخانه هوور و مؤسسه‌ی دانشگاه استنفورد، کتابخانه‌ی کنگره و مرکز اسناد و مدارک ملی واشنگتن، دفتر اسناد عمومی و موزه‌ی سلطنتی جنگ لندن و کتابخانه‌ی دولتی میاسنیکیان و آکادمی علوم ایروان قدردانی شود. همچنین از پروفسور رزکاترین کلیفورد (CSJ Rose Cathrine Clifford) کالج ماونت سنت مری و آرمینه گاربوشیان (Armine Garbushian) و واچه باب ماول (Vatche Bob Movel) به پاس یاری‌ها و تشویق‌هایشان سپاسگزارم. نوئل ل. دیاز (Noel L. Diaz) کار پر مشقت نقشه‌کشی طرح‌هایی را به عهده داشت که مدت‌ها رویشان کار کرده بودم اما نیمه‌کاره رها شده بودند؛ او آن‌ها را به نقشه‌های مفید و شکیلی مبدل کرد. ترزار. جوزف (Tereza R. Joseph) با شکیبایی قابل تحسینی وظیفه‌ی نسخه‌پردازی را انجام داد. از مارلین آ. آرشاگونی (Marilyn A. Arshagouni) نیز سپاسگزارم که با نگاه تیز و هوشیاری بسیار، پیش‌نویس‌ها و دست‌نویس‌ها را تا آخرین نمونه‌ی چاپی دنبال کرد. از استاد ج.ی فون گران‌بام (G. E. Van Grunbaum)، مدیر مرکز خاور نزدیک دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس، که مدیون حمایت و حس وظیفه‌شناسی همیشگی ایشان در ترغیب مطالعات و پژوهش‌های ارمنی هستم، سپاس فراوان دارم. بصیرت و بشردوستی ایشان در خور هرگونه تقدیر است.

پدرم، کاسپار هوانسیان، (Kaspar Hovannisian)، یگانه بازمانده‌ی خانواده‌ی پرجمعیتی که در قتل‌عام ۱۹۱۵م، جان باختند، منبع الهام همیشگی من بود. او زندگی را دوباره در ایالات متحده آغاز کرد؛ اما تعهد معنوی استوار به میهن تاریخی‌اش را با زندگی جدید خود درآمیخت. بسیار متأسفم که اکنون در میان ما نیست و نمی‌داند این پژوهش به او تقدیم شده است. چون نام واریتیر کوچولوزیان - هوانسیان (Vartiter - Hovannisian) در فهرست نیامده است، لازم می‌دانم که گرچه وی حرفه‌ی طبابت را به نحو احسن انجام می‌دهد اما بگویم علاقه‌ی بی‌حد حصر او به

تاریخ و سرزمین آزارات، او را واداشت تا در تهیه‌ی اسناد مربوط به سه قاره، کار بسیار دقیق ترجمه‌ی درست و صحیح از چند زبان را به عهده گیرد و بالاخره با تجربیات تلخ و شیرین‌اش، که به تکمیل جلد اول کتاب جمهوری ارمنستان انجامید، یاور همیشگی باشد.